

## بررسی مفاهیم "پری" در خسرو و شیرین نظامی

دکتر اسحاق طغیانی<sup>۱</sup>، پرویز حیدری<sup>۲</sup>

### چکیده

نظامی در "خسرو و شیرین" بارها واژه "پری" و ترکیبات آن را در پیوند با شیرین و خدمتکارانش به کار برده است. پری (حور و جن در تداول مذهبی) در گذشته فرهنگ ایرانی و نیز در دوره اسلامی، در میان معتقدان به آن و اهل ادب مشخصه‌های زیادی دارد. در کلام نظامی این مشخصه‌ها که در حوزه فرهنگ عامیانه می‌گنجد، مستقیم و غیرمستقیم منعکس گردیده؛ از قبیل نمونه بودن پری در زیبایی، چالاکي، خیال‌انگیزی، پنهان‌کاری، مردم‌گریزی و نیز توصیف زیستگاه آن. در این گفتار به بازتاب این باورها در یکی از معروف‌ترین منظومه‌های داستانی زبان فارسی یعنی خسرو و شیرین نظامی خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: نظامی، خسرو و شیرین، پری، جن، حور، فرهنگ و ادب عامیانه.

### مقدمه

نظامی گنجه‌ای شاعر قرن ششم هجری، استاد مسلم در سرودن منظومه‌های عاشقانه است (رک. یوسفی، ۱۳۷۰: ۱۷۰-۱۶۹). او سال‌های انزوا و خاموشی زندگی

---

etoghyani@hotmail.com

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان.

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان.

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۸/۱۲

تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۶/۲۵

خویش را با قصه‌های گوناگون، شور و لطف رؤیایی می‌بخشید، با قصه‌هایی از نوع عبرت‌انگیز، عشقی، رزمی و حکایات دیو و پری (رک. زرین‌کوب، ۱۳۷۴: ۱۹۹). داستان عاشقانه خسرو و شیرین نمونه کامل اشعار غنایی و از شاهکارهای ادبیات رماتیک ایران است. از آن جا که از عشق‌های پرشور انسانی، تنها عوام لذت می‌برند و روایت نظامی نیز بر آن روایات عامیانه متکی است، عناصری در آن موجود است که تنها در تخیل عامیانه می‌گنجد، از جمله؛ وجود عنصر خواب و مکان‌های افسانه‌ای چون کوه اغراق و دیر غار سنگی و عنصر پری و اعتقاد به آن (رک. همان: ۱۰۸-۹۳). نظامی از فرهنگ عامه به طور کاملاً آگاهانه یا در مواردی ناآگاهانه، در آفرینش شاهکارهای خود سود جسته که اعتقاد به وجود پری (علاوه بر اعتقاد مسلمانان) جزئی از آن است.

نظامی از واژه "پری" بیست بار و از ترکیبات ساخته شده با آن در واژه‌هایی نظیر "پری‌رو، پری‌پیکر، پری‌رخ و..." سی‌وشش بار استفاده نموده است. البته در کنار این واژه‌ها از مترادفات دینی واژه پری مانند "حور، بهشتی‌رو" و نیز از واژه "دیو" در تضاد با "پری" بهره برده است. این واژه‌ها اغلب درباره زنان به کار رفته و بیشترین سهم آن، مربوط به "شیرین" و محل زندگی وی و کنیزان اوست. در این نوشته سعی شده است ابیاتی که این واژه‌ها و واژه‌های مربوط به آن‌ها، در داستان خسرو و شیرین به کار رفته، استخراج شود و سپس با طبقه‌بندی موضوعی ابیات مذکور، نحوه کاربرد واژه‌ها و تصویرسازی نظامی با آن‌ها به همراه بیت شاهد، به اختصار مطرح گردد.

### الف) پری، نگار فریبا

«پری - آنچنان که پیروان زرتشتی و مزدیسنان باور داشتند<sup>(۱)</sup> به صورت نگار فریبا زیبایی پنداشته شده که از نیکویی و خوب‌چهری و حتی قر، برخوردار است و مثال و نمونه زیبارویی و باندامی و فریبندگی است و گاه به سبب بهی و زیبایی و

بررسی مفاهیم "پری" در خسرو و شیرین • دکتر اسحاق طغیانی، پرویز حیدری • صص ۱۳۶-۱۲۷ □ ۱۲۹

سودرسانیش به مردمان، در مقابل دیو و اهریمن قرار می‌گیرد» (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۱). از این رو در ادبیات فارسی، شاعران در بیان شاعرانه و تشبیهات خود، زیبایی و دلربایی معشوق را به پری مانند کرده‌اند و ترکیباتی از قبیل "پری‌چهره، پری‌روی، پری‌رخ، پری‌دیدار، پری‌رخسار، پری‌پیکر، پریسا، پریسان و پری‌زاد" به زیبارویان نسبت داده شده است<sup>(۲)</sup> (رک. ابراهیمی، ۱۳۸۳: ۶۲۰؛ افشاری، ۱۳۷۵: ۵۹۴؛ صرفی، ۱۳۸۶: ۱۱۳). "شیرین" در داستان خسرو و شیرین، "پری‌پیکری" است از آرمن، که خدمتکاران زیبارویش نیز، در خو برویی شُهره‌اند و همه "پری‌زاد":

یکی گفت ارمن است آن بوم آباد      که پیکرهای او باشد پری‌زاد  
(نظامی، ۱۳۷۸: ۲۴۶)

در کلام نظامی، نمایان شدن شیرین از پوشش خیمه، با تصویر بیرون آمدن ماه از پشت ابر وصف می‌شود:

پَری‌پیکر برون آمد ز خرگاه      چنان کز زیر آبر آید برون ماه  
(همان: ۳۳۷)

شیرین پری‌دخت، نه تنها در زیبایی از ماه برتر است بلکه "رشک پری" نیز هست که سودرسان است و آورنده نیک‌اختری:

بگو ای دولت آن رشک پری را      که بازآور به ما نیک‌اختری را  
(همان: ۳۲۱)

شیرین چون حوری در روضه است و همچون نور در دیده (رک. همان: ۱۰۱ و بیت الحاقی ۱۰۲). حوران بهشتی از قصر وی نور می‌گیرند و از زیبایی اندام او عیار زیبایی: بهشت از قصر من دارد بسی نور      عیار از نار پستانم برد حور  
(همان: ۲۸۰)

اما شیرین، بهشتی‌پیکری است که در دوزخ قصر تنگ (قصر شیرین) گرفتار شده است (رک. همان: ۸۴ و بیت الحاقی ۹۶). چرا که جای حور، بهشت عدن است وی در دوزخ رنجور است و به دوزخ نمی‌اندیشد، چون در ظلمت دوزخ، ولایت (محبت)

نوری ندارد:

نشسته گوهری در بیضه سنگ بهشتی‌پیکری در دوزخ تنگ  
در این ظلمت ولایت چون دهد نور بدین دوزخ قناعت چون کند حور  
(همان: ۹۶-۹۵)

شیرین پری‌رو در زیبایی از "شکر اصفهانی" نیز برتر است (همان: ۲۵۳) و کنیزان  
همراه او نیز چون خود شیرین پری‌رویانی شوخ و دل‌بندند که نظامی آن‌ها را نمونه  
کاملی از زیبایی و ملاحظت می‌داند:

پری‌چهره بتان شوخ و دل‌بند ز خال و لب سرشته مشک با قند  
(همان: ۳۴۲)

این، "حوران ماه‌پیکر بهشتی" نه تنها در روضه حورند بلکه مقام امیری نیز دارند:  
پری‌رویان کزان کشور امیرند همه در خدمتش فرمان‌پذیرند  
(همان: ۴۸)

اگر حور بهشتی هست مشهور بهشت است آن طرف و آن لعیتان حور  
(همان: ۴۹)

حتی نام یکی از کنیزان شیرین، "پری‌رخ" است<sup>(۳)</sup> (همان: ۱۲۲). شیرین پری‌چهره  
همراه پری‌وشان (کنیزان) خود در سبزه‌زارها، عشرت‌ها برپا می‌کنند و شادخوارانیند  
که در دنیای خالی از دیو و دیو مردم، به عیش می‌نشینند:

پری‌پیکر چو دید آن سبزه خوش به می بنشست با جمعی پری‌وش  
(همان: ۵۴)

وصف سرمستی شیرین - که به عیاران می‌ماند - به هنگام عرض بندگی به خسرو و  
درافتادن بر پای او مطرح می‌شود:

چو عیاران سرمست از سر مهر به پای شه درافتاد آن پری‌چهر  
(همان: ۳۳۷)

بررسی مفاهیم "پری" در خسرو و شیرین • دکتر اسحاق طغیانی، پرویز حیدری • صص ۱۳۶-۱۲۷ □ ۱۳۱

### ب) چالاک‌پری<sup>(۴)</sup>

در زبان و ادب فارسی در وصف پریان آمده است که به سرعت در حرکتند و بال و پَر دارند و در هوا پرواز می‌کنند (رک. افشاری، ۱۳۷۵: ۵۹۵). شیرین و همراهانش نیز، چون پری سریع‌السیرند و مسیر طولانی را در یک روز طی می‌کنند:

وز آنجا تا در "دیر پری‌سوز" پریدند آن پری‌رویان به یک روز (نظامی، ۱۳۷۸: ۵۷)

شیرین در پوشیدن لباس و بر اسب نشستن، در کنار چشمه، چون پری چالاک و سریع عمل می‌کند و شب‌دیز نیز در گرم‌خیزی بر پری و دیو غلبه دارد:

برون آمد پری‌رخ چون پری تیز قبا پوشید و شد بر پشت شب‌دیز  
پری را می‌گرفت از گرم‌خیزی به چشم دیو در، می‌شد ز تیزی (همان: ۷۷-۷۶)

خسرو نیز با همراهانش چون باد، سلیمان‌وار حرکت می‌کند و در بازی گوی، باز این پری‌رویان (کنیزان) شیرین هستند که سرعت عمل و مهارت دارند و از شادی به این سو و آن سو می‌پرند:

چو در بازیگه میدان رسیدند پری‌رویان ز شادی می‌پریدند (همان: ۱۱۱)

شاپور هم در انتقال شیرین پری‌رخ به خرگاه خسرو، چون جابه‌جا کردن پاره‌نور، با سرعت و احتیاط عمل می‌کند:

پری‌رخ را بسان پاره‌نور سوی آن خوابگاه آورد شاپور (همان: ۳۱۳)

### پ) خیال‌انگیزی و پنهان‌کاری پری

خیال‌انگیزی و پیدا و ناپیدا کردن امور، از صفات پری است و شاپور در نشان دادن تصویر خسرو به شیرین، و کنیزان شیرین، پری‌وار عمل می‌کنند:

و از آنجا چون پری شد ناپدیدار رسیدند آن پری‌رویان پری‌وار  
(همان: ۵۴)

و تشویق شیرین برای نقل مکان به اصرار کنیزان با این بهانه مطرح می‌شود که  
الصاق تصویر خسرو بر درخت، کار پری است و پری از این بازی‌ها بسیار می‌کند:

بگفت این در، پری برمی‌گشاید پری زمین‌سان بسی بازی نماید  
(همان: ۵۷)

شیرین هم، در پنهان کردن تمایل باطنی خویش به خسرو، چون پری در پرده سخن  
می‌گوید:

پری‌رویا نهان می‌داری اسرار سخن در شیشه می‌گویی پری‌وار  
(همان: ۶۲)

از سوی دیگر، دوستی ورزیدن نهانی را به پری نسبت می‌دهد و البته خسرو،  
خواهان آن است:

همان بهتر که با آن ماه دلدار نهفته دوستی ورزم پری‌وار  
(همان: ۱۷۷)

شیرین نیز بهشتی‌وار، در بر خلق بسته است:

بهشتی دید در قصری نشسته بهشتی‌وار در بر خلق بسته  
(همان: ۲۷۰)

البته عاشق و دوستدار پری بودن از جانب مردم، قابل قبول نیست: (۵)

به کس نتوان نمود این داوری را که خسرو دوست می‌دارد پری را  
(همان: ۸۰)

### ت) مردم‌گریزی حور و پری

در پاره‌ای از ترجمه‌های فارسی کهن از قرآن، واژه "پری" معادل فارسی "جن، جان  
و جنّه" قرآنی آمده است که از اوصاف آنان نامرئی بودنشان است.

(رک. ابراهیمی، ۱۳۸۳: ۶۹؛ خزّ مشاهی، ۱۳۸۱: ۸۵۲)

شیرین پری‌وش، نیز مثل حوری است که نزدیک شدن مردم را به خود خوش ندارد:

بررسی مفاهیم "پری" در خسرو و شیرین • دکتر اسحاق طغیانی، پرویز حیدری • صص ۱۳۶-۱۲۷ □ ۱۳۳

مگر ماهی تو یا حور، ای پری‌وش که نزدیکت نباشد آمدن خوش  
(نظامی، ۱۳۷۸: ۲۷۱)

چرا که پری با آدمی دمساز نمی‌شود؛ آن گونه که مرغابی با باز، پرنده شکاری:  
به جفتِ مرغِ آبی، باز کی شد؟ پری با آدمی دمساز کی شد  
(همان: ۸۰)

پری پیوسته از مردم می‌گریزد و کسی نمی‌تواند از او به کام برسد  
مرا زین کار کامی برنخیزد پری پیوسته از مردم گریزد  
(همان)

و شیرین و کنیزان او چون حور به صفت بکر بودن وصف می‌شوند:  
دگر ره بود پیشین رفته شاپور به پیش‌آهنگ آن پکران چون حور  
(همان: ۵۷)

بدین سبب است که خسرو از شاپور می‌خواهد که تحقیق کند که آیا شیرین در دل،  
داد و در سر، پیوندِ آدمیزاد دارد یا نه:

نظر کردن که در دل داد دارد سر پیوندِ مردمزاد دارد؟  
(همان: ۵۰)

البته نظامی اشاره‌ای به حضرت سلیمان<sup>(ع)</sup> دارد که تنها اوست که توانایی رام کردن  
پری را دارد:

سلیمانم ببايد نام کردن پس آنگاهی پری را رام کرن  
(همان: ۸۰)

شیرین نیز در بیان اصل و نسب خویش به کنیزان مشکوی خسرو با سخنان  
دروغ‌آمیز، در پی دوری جُستن<sup>(۶)</sup> از آن‌هاست:

پری‌رخ زان بتان پرهیز می‌کرد دروغی چند را سر تیز می‌کرد  
(همان: ۸۱)

### ث) زیستگاه پری

«پری به عنوان زن - ایزد آب ... در اسطوره‌های جهان دیده می‌شود ... و در رمزپردازی‌های اسطوره‌های آب در اساطیر ایران و یونان و بین‌النهرین نقشی مستمر و آشکار دارد» (ابراهیمی، ۱۳۸۳: ۶۱۸) و نیز «در افسانه‌ها و معتقدات عامیانه نیز جایگاه پریان را دریاها و چشمه‌ساران انگاشته‌اند»<sup>(۷)</sup> (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۱۷).

نظامی در وصف "شیرین در چشمه" می‌گوید: او پری است چرا که «پری بر چشمه‌ها بسیار باشد» (نظامی، ۱۳۷۸: ۸۰). شیرین چون پری در ویرانه (قصر شیرین) جای دارد و دل دیوانه (دل خسرو) نیز جویای پری است. پری دیوانه‌کننده کسی است که در دل یا دماغ آن فرد، خانه کرده است؛ او نه تنها آدمی را در خواب دیوانه می‌کند و به مغز وی تاب می‌دهد بلکه در بیداری هم موجب رنجوری اوست.<sup>(۸)</sup>

پری‌رویی که در دل خانه کرده	دل‌م را چون پری دیوانه کرده
به بیداری دماغم هست رنجور	کز اندیشه‌ام نمی‌گردد پری دور
وگر خُسبم به مغزم بردهد تاب	پری‌وارم کند دیوانه در خواب
پری را هم دل دیوانه جوید	در آبادی نه، در ویرانه جوید
همانا کان پری‌روی فسون‌سنج	در آن ویرانه زان پیچیده چون گنج

(همان: ۳۲۵)

حضور دیو در محل پری‌زاد، ترادفی بین دیو و پری در کلام نظامی ایجاد می‌کند:

چو شیرین نام صورت بُرد گفتند	که آن تمثال را دیوان نهفتند
پری‌زاد است از این صحرا گریزیم	به صحرای دگر افتیم و خیزیم

(همان: ۵۵)

اما در بیان رفتار مریم و شیرویه در مقابل شیرین پری‌رخ، رفتار آن دو، دیوگونه

است:

گر این شوخ [مریم] آن پری‌رخ را ببیند	شود دیوی و بر دیوی نشیند
--------------------------------------	--------------------------

(همان: ۱۷۷)

بررسی مفاهیم "پری" در خسرو و شیرین • دکتر اسحاق طغیانی، پرویز حیدری • صص ۱۳۶-۱۲۷ □ ۱۳۵

چنان می‌بیند این دیو [شیره] آن پری را که خر در پیشه‌ها پالان‌گری را (همان: ۳۶۹)

### ج) چاره‌جویی و دفع شر جن و پری

موجوداتی مانند پری، جن، آل و... از چیزهایی مانند آتش و روشنایی آهن و ابزار و اشیاء آهنی، بعضی گیاهان و دانه‌های قدسی و بودار و برخی دعاها و طلسم‌ها و... می‌ترسند و می‌رمند. مردم با همراه کردن این رمانده‌ها نیروی زیانکار این موجودات را از خود دور می‌کنند (رک. ابراهیمی، ۱۳۸۳: ۶۲۰-۶۱۹). نظامی هم می‌گوید: صحرايي که محل اسکان پری است، پری‌زاد است و باید با اسفندسوزی، آن‌ها را دفع کرد و از شرّشان رهایی یافت:

پری‌زاد است ازین صحرا گریزیم به صحرای دگر افتیم و خیزیم  
از آن مجمر چو آتش گرم گشتند سپندی سوختند و درگذشتند  
(همان: ۵۶-۵۵)

«هندوان مرتاض [نیز] برای تسخیر جن و پری به دعا و نماز می‌پردازند» (همان: حاشیه: ۱۹۲). کاری که شاپور در اطاعت از شیرین و نماز بردن بر او می‌کند:

نمازش بُرد چون هندو پری‌وار ستودش چون عطارد مشتری‌وار  
(همان)

دیو نیز به چاره قابل تسخیر است:

به چاره هر کجا تدبیر سازند نه مردم، دیو را نخجیر سازند  
(همان: ۵۸)

البته فریب دادن حور (شیرین) "نهایت چربدستی و مهارت" است که شاپور از عهدۀ آن برمی‌آید:

چو از گفتن فراغت یافت شاپور دَمش در مه گرفت و حيله در حور  
(همان: ۶۶)

## نتیجه

بازتاب کردارها و اوصاف پریان در منظومه خسرو و شیرین نظامی گنجوی از یک سو، ریشه در باورهای عامیانه داشته و عامل انعکاس این باورها در ادبیات رسمی قرن ششم هجری است و از سوی دیگر نمونه‌ای است از توجه جدی نظامی به آیین‌ها، افسانه‌ها و داستان‌های ایران باستان. از آنجا که زمینه خلق داستان خسرو و شیرین زمینه‌ای کاملاً ایرانی است، نفوذ باورهای آیینی و افسانه‌های مربوط به پریان در این منظومه امری هوشیارانه و آگاهانه است. نظامی اگرچه به عنوان مسلمانی معتقد و متشرع بر اصول و باورهای دینی خود پای می‌فشرد، از توجه به بستر فرهنگی و زمینه‌های باستانی داستان‌های خود غافل نیست. او با تصویری که از شیرین در حوزه عمل آفریده ضمن این که به این شخصیت مشهور داستانی جنبه‌های رازآمیزی و رمزوارگی داده، قدرت بی‌پایانی را که فقط در اختیار پریان بوده به وی وام داده است تا بتواند بر پادشاه سرکش و متکبری چون خسرو فائق بیاید. انتساب چالاک‌ی، افسونگری، مردم‌گریزی، زیبایی، چیرگی و نازک‌اندازی پری به شیرین بازتابی است از این باور که این محبوب دست‌نیافتنی در قالب جسم و جهان گنجایی ندارد. این عمل نظامی را شاید بتوان نوعی اسطوره‌سازی از معشوقگان شعری دانست تا بتوان بدین وسیله پاکی و قداست عشق را از آرایش هوس و شهوت به دور نگه داشت.

بررسی مفاهیم "پری" در خسرو و شیرین • دکتر اسحاق طغیانی، پرویز حیدری • صص ۱۳۶-۱۲۷ □ ۱۳۷

## یادداشت‌ها

۱. "پری در اصل، یکی از "زن - ایزدان" بوده که در زمان‌های کهن و پیش از دین‌آوری زرتشت ستایش می‌شد" (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۲).

۲. نظامی در دیگر آثار خود نیز از پری برای تصویر زیبایی بهره برده و به جلوه‌سازی پری اشاره کرده است (رک. زنجانی، ۱۳۷۷: ۱۷۴).

در میانۀ کنتیژی چو پری  
ببرده نـور از ستاره سحری  
(هفت‌پیکر، ۱۸۵)

پـری رویم و چـون پـری در پـرند  
چـو دلـبسته‌ای در پـری در مـبند  
(شرفنامه، ۴۹۴)

شب جشن بـود آن شب دلـنـواز  
پـری پیکران چـون پـری جلوه‌ساز  
(شرفنامه، ۲۹۹)

۳. «در مقابل نام گردان و مبارزان جنگجو [ی شاهنامه]، نام کنیزان و ماهرویان ... جلوه‌بخش داستان شورانگیز نظامی است» (معدن‌کن، ۱۳۷۲: ۲۳۳).

۴. دربارهٔ سریع‌السیر بودن و تاختن پری می‌توان به ابیات ذیل به عنوان نمونه از دیگر آثار نظامی اشاره کرد (به نقل از زنجانی، ۱۳۷۷: ۱۷۴)

خـرگاه‌نشین بت پـری رو  
هـمچو پـریان پـرید از آن کـوی  
(لیلی و مجنون، ۲۱۲)

تـاختن آورده پـری ز ادگان  
هـمچو پـری بر دل‌آزادگان  
(مخزن‌الاسرار، ۴۶)

چـو در آن منزل خـراب شدیم  
چـون پـری هـردو در نقاب شدیم  
(هفت‌پیکر، ۱۵۵)

۵. "افسانه‌ها و داستان‌های عجیب (با رنگ شاعرانه و خیال‌انگیز) در باب رابطه‌های نهانی بین جن [پری] و آدمی‌زاده روی نموده است که ساختهٔ وهم و پندار آدمی است" (زرین‌کوب، ۱۳۵۵: ۲۷۸). "مهروزی و همسری پریان یا زن - ایزدان مظهر "ناخودآگاه" با شاهان و زنان نمایندهٔ "خودآگاه" فرجامی ناخوش و شوم دارد. معلوم است این اساطیر در زمانی به وجود آمده‌اند که بشر ارتباط دیرین خود را با جهان درون خویش و نیز با جهان برون از طریق رؤیا و کشف و شهود از دست داده و از مشارکت عرفانی با گیتی محروم مانده است" (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۲۲).

۶. نظامی به مردم‌گریزی پری در دیگر آثارش پرداخته است از جمله:

خسـروانی نـهاد چـندین خـم  
چـون پـری روی بسـته از مـردم  
(هفت‌پیکر: ۷۶)

رخت بـر بـست از آن تـخت سلیمانی  
چـون پـری شـد ز خـلق پنهانی  
(هفت‌پیکر: ۷۶)

در طـرف شام یـکی پـیر بـود  
چـون پـری از خـلق طـرف‌گیر بـود  
(مخزن‌الاسرار: ۹۷)

- پیری‌وار با آن پیری‌چهره زیست چه ایمن کسی کو نهان چون پیری است  
(اقبالنامه: ۶۰) (به نقل از زنجانی، ۱۳۷۷: ۱۷۴)
۷. "برخی از عوام ایران جایگاه پریان را اصطلاحاً فاضل می‌نامند که عبارت است از چشمه‌سارها، چاه‌خانه‌ها، پاکنه‌ها و پلکان آب‌نبارها... در بیشتر مکان‌ها فاضل مرطوب هست" (افشاری، ۱۳۷۵: ۵۹۵).
۸. "عبارت اوستایی (یشت سیزدهم، بند ۱۰۴) پیشینه کهن ارتباط پیری را با جنون و پیری‌زدگی و رؤیا و کابوس که در ادبیات فارسی نیز فراوان بدان اشاره شده است، می‌رساند" (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۱۷). "پری گرفته [پری‌زده] را نیز در معنای مصروع به کار برده‌اند" (افشاری، ۱۳۷۵: ۵۹۶). "در قرآن (۳۴ / ۱۲ و ۱۳ / ۲۱ و ۸۲ / ۲۷ و ۱۷ / ۶ و ۱۱۲) به یاریگری و کمک یا دشمنی و آزار و گزند رساندن [جن‌ها = پریان] به انسان‌ها ... اشاراتی شده است" (ابراهیمی، ۱۳۸۳: ۶۱۹).

## منابع

۱. ابراهیمی، معصومه. (۱۳۸۳). "پری". در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. ج ۱۳. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۲. افشاری، مهران. (۱۳۵۷). "پری". در دانشنامه جهان اسلام. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. ج ۵. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
۳. خرّمشاهی، بهاء‌الدّین. (۱۳۸۱). دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی. ج ۱. ج ۲. تهران: دستان و ناھید.
۴. زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۴). پیر گنجی در جستجوی ناکجاآباد. درباره زندگی و آثار و اندیشه نظامی. ج ۲. تهران: سخن.
۵. زرین‌کوب، عبدالحسین. (۲۵۳۵). "جن". در یادداشت‌ها و اندیشه‌ها. ج ۲. تهران: جاویدان.
۶. زنجانی، برات. (۱۳۷۷). صور خیال در خمسه نظامی. تهران: امیرکبیر.
۷. سرکاراتی، بهمن. (۱۳۸۵). "پری، تحقیقی در حاشیه اسطوره‌شناسی تطبیقی". در سایه‌های شکار شده. گزیده مقالات فارسی. تهران: طهوری.
۸. صرّفی، محمدرضا و افّضلی، مریم. (۱۳۸۶). "موجودات ماوراء طبیعی در خمسه نظامی". در مجله مطالعات ایرانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال ششم. شماره یازدهم. بهار ۱۳۸۶.
۹. ظفری، ولی‌الله. (۱۳۷۲). "مقایسه خسرو و شیرین با موازین داستان‌نویسی". در مجموعه مقالات نخستین کنگره بین‌المللی بزرگداشت نهمین سده تولّد حکیم نظامی گنجوی. به اهتمام و ویرایش منصور ثروت. ج ۲. تبریز: دانشگاه تبریز.
۱۰. معدن‌کن، معصومه. (۱۳۷۲). "بررسی تطبیقی خسرو پرویز در شاهنامه و خسرو و شیرین نظامی". در مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی بزرگداشت نهمین سده تولّد حکیم نظامی گنجوی. به اهتمام و ویرایش منصور ثروت. ج ۳. تبریز: دانشگاه تبریز.
۱۱. معدن‌کن، معصومه. (۱۳۷۵). نگاهی به دنیای خاقانی. ج ۱. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۲. نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۷۸). خسرو و شیرین. تصحیح حسن وحید دستگردی. تهران: سوره.
۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). لیلی و مجنون. تصحیح حسن وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: زوّار.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). هفت‌پیکر. تصحیح حسن وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. ج ۴. تهران: قطره.

بررسی مفاهیم "پری" در خسرو و شیرین • دکتر اسحاق طغیان، پرویز حیدری • صص ۱۳۶-۱۲۷ □ ۱۳۹

۱۵. باحقی، محمدجعفر و دیگران (۱۳۷۷): فرهنگنامه قرآنی. ج ۲. ج ۲. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۱۶. یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۰). چشمه روشن. ج ۳. تهران: علمی.